

داستان دینی

پانف دودم (پرسش های ۹۲ تا ۹۴)

مهشید میر فخرایی

۱۴۶۳

۱۴۳۳

۱۴۳۳

۱۴۶۳

۱۱۱۴

۱۴۳۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دادستان دینی

پارهٔ دوم (پرسش‌های ۴۱ تا ۹۲)

(مقدمه، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشت‌ها)

به همراه

متن پهلوی

مهشید میرفخرایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

دادستان دینی

پاره دوم (پرسش‌های ۴۱ تا ۹۲)

مقدمه، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشت‌ها به همراه متن پهلوی

مؤلف: مهشید میرفخرایی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

ویراستار و نمونه خوان: نادیا حاجی‌پور

صفحه‌آرا: زینب جهانپان

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آوای خاور

قیمت: ۶۴۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: منوچهر پسر گشن جم، ۳۰۹ - ۳۷۹ م.

عنوان و نام پدیدآور: دادستان دینی: پاره‌ی دوم (پرسش‌های ۴۱ تا ۹۲) مقدمه، آوانویسی، برگردان فارسی، و یادداشت‌ها به همراه متن پهلوی/ مهشید میرفخرایی؛ ویراستار نادیا حاجی‌پور.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۴۵۸ ص.

شابک: 978-964-426-994-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: متن کتاب به صورت آوانویسی نیز آورده شده است.

یادداشت: کتابنامه نمایه

موضوع: تعلیمات دینی زردشتی — پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع: Zoroastrian religious education -- Questions and answers

موضوع: زردشتی — پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع: Zoroastrianism -- Questions and answers

شناسه افزوده: میرفخرائی، مهشید، ۱۳۲۷-

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۸۵۲/م۱۵۷۰ BL

رده بندی دیویی: ۲۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۴۷۴۶۳

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۵.....	یادداشت‌ها
۲۳.....	موضوع پرسش‌ها
۲۷.....	آوانویسی
۱۱۷.....	برگردان فارسی
۲۰۳.....	یادداشت‌ها
۲۹۳.....	کتابنامه
۳۰۱.....	نمایه
۳۳۷.....	پیوست

مقدمه

نام نویسنده و اثر

دادستان دینی به معنی «داوری‌ها یا احکام دینی» عنوانی متأخر است که در سنت به این اثر داده شده است. نویسنده خود در مقدمه به عنوان «پرسش‌نامه» اشاره می‌کند^(۱). کتاب شامل یک مقدمه و نود و دو پرسش گوناگون است^(۲) که مهر خورشید، پسر آذرماه و دیگر بهدینان از منوچهر می‌پرسند و منوچهر، در پاسخ، آنچه را که از آموزه‌های مراجع دینی پیشین می‌داند و در یاد دارد و پذیرفتنی و موثق می‌شمارد، در زیر پرسش‌ها می‌آورد^(۳).

پیشه، جایگاه و زمینه فکری نویسنده

منوچهر، نویسنده دادستان دینی، پسر گشن‌جم^(۴)، پسر شاپور، از نسل آذربادمارسپندان، موبدان موبد شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) ساسانی است^(۵). منوچهر نمایی کلی از زندگی و تفکر خود را در مقدمه دادستان و اثر دیگرش «نامه‌ها» (nāmagihā) ترسیم می‌کند. او در عنوان‌های نخستین و دومین نامه، خود را «هیربد» و در سومین «هیربد خدای» می‌نامد. منوچهر رد پارس و کرمان، فرمادار آسرونان بوده است. «رد» (اوستا - ratu) به معنی «رهبر روحانی» در برابر «اهو» (اوستا - ahu) «سرور دنیوی» است. «فرمادار» به معنی فرمانده است و دارنده این جایگاه، رئیس کل روحانیان کشور محسوب می‌شده است. منوچهر با عنوان «پیشوا»، «پایه و ستون دین» نیز از خود نام می‌برد^(۶).

او سه برادر به نام‌های زادسپرم، نویسنده گزیده‌های زادسپرم، اشه‌وهیشت، نویسنده روایت امید/اشه‌وهیشت و زروان‌داد، داشته که همه از روحانیان و اهل ادب و دانش بوده‌اند.

زادسپرم، برادر کوچک‌تر و معروف‌تر منوچهر، که هیرید سیرجان بوده، با وجود اختلاف نظری که در مورد احکام دینی با برادر بزرگ‌تر داشته^(۸)، برای او جایگاه خاص قائل بوده و مقام او را از پدر، رد، سالار، رهبر، دستور دین بالاتر و برتر می‌دانسته است.^(۸)

منوچهر در میان مردم و مخاطبان خود نیز از پایگاه دینی والایی برخوردار بوده و همواره مورد تحسین و تمجیدهای اغراق‌آمیز آنها قرار گرفته، به‌طوری‌که در مقدمه دادستان مخالفت خود را با آنچه که به نظر او عنوان‌های نابجا و غیرمنصفانه از سوی مخاطبانش بوده، ابراز می‌دارد. خواست او این است که «همانی که هست خوانده شود و نه بیشتر»^(۹) و بارها، با خودانتقادی فروتنانه‌ای، تحسین‌ها و تمجیدها را استادانه پاسخ می‌دهد.^(۱۰)

منوچهر خلاصه‌ای از عوامل و ملاحظات را که مبنای داوری‌ها و احکام او قرار گرفته است، برمی‌شمارد: «ترکیبی از خرد پیشوایان حاضر دین و نهاده‌های پیشوایان پیشین»^(۱۱). منوچهر معتقد است که اگر نواقص یا ابهام‌هایی در احکام دینی دیده می‌شود، به سبب نقص‌ها و کمبودهای دستوران جدید است و سنت دینی، خود کامل و بی‌نقص است و درست نیست که مردم عادی، در صورت تردید، برپایه برداشت و داوری‌های خود عمل کنند.^(۱۲)

او در جاهایی که سنن متناقض و نامتشابهی وجود دارد، از آرای دستوران زمانه و خاندان خود پیروی می‌کند^(۱۳)، اما به اندیشه‌های دیگران نیز به دیده احترام می‌نگرد و داوری خردمندانه مراجعی را، که از خاندان او نیستند، می‌پذیرد.^(۱۴)

منوچهر به‌عنوان رئیس کل روحانیان، بر امور دینی شهرهایی مانند پارس، کرمان، سیرجان، ری، شیراز و... که پایگاه‌های مهم دین زردشتی بودند، نظارت می‌کرد. به نظر او یک روحانی مرجع می‌بایست پرهیزکار، زبان‌آور، راست‌گفتار، گاهان سروده، آگاه از آداب دینی، فرهیخته در کار و وظیفه، خوش خیم و روان دوست باشد.^(۱۵)

تاریخ نگارش

تاریخ دقیق نگارش دادستان معلوم نیست ولی از روی تاریخ آخرین نامه منوچهر به سال ۲۵۰ یزدگردی (۸۸۱ م)، نیز لحن ملایم‌تری که در دادستان نسبت به نامه‌ها دیده می‌شود، دادستان می‌باید پیش از نامه‌ها و به احتمال، پیش از سال ۸۸۱ میلادی نوشته شده باشد.^(۱۶)

سبک نگارش

نوشته‌های منوچهر و برادرش، زادسپرم، هم از جهت فهم و هم از نظر ترجمه، از دشوارترین متون پهلوی به‌شمار می‌آیند. به غیر از قطعاتی از دینکرد، به‌ویژه کتاب سوم، متن دیگری از نظر پیچیدگی و ابهام در حد و اندازه آنها نیست.

دادستان نثری پیچیده و دشوار دارد و علت آن نه تنها بحث و گفتگو درباره موضوع‌های فلسفی، الهیاتی و آیینی است که چنین شیوه نگارشی را می‌طلبد، بلکه در سلیقه و قدرت نویسنده نیز است. منوچهر درازنویسی و به‌کاربردن ترکیبات پیچیده را می‌پسندد. نثر دشوار و مبهم کتاب که تحت تأثیر فارسی نو نیز قرار دارد^(۱۷)، برای عموم مردم، که در وهله نخست مخاطبان آن هستند، بسیار نامفهوم است. منوچهر خود نیز از این مشکل آگاه بوده، چه در مقدمه آورده است که: «از آنجاکه این متن‌ها درباره شرح و تفسیر است، به سبب ژرفا و ظرافت سخن و نیز به دلیل کمبود شرح و بسط مطلب، حتی برای باریک‌بینان و عالمان نیز روشن نیست و این گمان قوی را در مورد فقر آگاهی من برمی‌انگیزد»^(۱۸). بالاین وجود او به جای استدلال‌های منطقی و اثبات نظرات خود، به سخنان و اقوال روحانیان صاحب‌نظر ارجاع می‌دهد^(۱۹).

استفاده از واژگان عالمانه پهلوی گاه به‌بهایی آسیب رساندن به وضوح و روشنی مطلب تمام می‌شود و گاه از دستور درست و معیار زبان پهلوی دور می‌شود^(۲۰). پاسخ پرسش‌ها که به زبانی فنی و سبکی سنگین و بی‌روح و بیشتر برپایه عبارت‌پردازی‌های سنتی فارسی میانه دوره ساسانی نوشته شده، از نوآوری‌های ادبی خالی است.

محتوای اثر

دادستان دینی اثر سنتی-عقیدتی است که در قالب پرسش و پاسخ، به طرح موضوع‌های گوناگون می‌پردازد. محتوای پرسش‌ها آیینی، اجتماعی، اخلاقی، قانونی، فلسفی، کیهان‌شناختی، پدیده‌های طبیعی و از این‌گونه است.

با وجود تنوع و گوناگونی پرسش‌ها، نمی‌توان تصور کرد که دادستان نمای کاملی از وضع دین زردشتی زمانه خود را بازتاب می‌دهد چه پرسش‌ها اغلب درباره موضوع‌هایی است که مورد تردید مهرخورشید و به‌دینان نزدیک به او است و یا درباره مطالبی است که مایلند آگاهی‌های بیشتری درباره آنها به دست آورند.

گرچه منوچهر در نوشته‌هایش به نسک‌های گمشده اوستا یا کتاب‌های مقدس زردشتیان (به جز هوسپارم نسک در فصل ۱۳/۶۰ و سکادم نسک در نامه‌ها ۸/۱: ۶، ۷) اشاره‌ای نمی‌کند، اما به برخی از کتاب‌های پهلوی دسترسی داشته که اکنون موجود نیستند چه در فصل ۱۴/۳۰ متذکر می‌شود که ماه دوم سال در اوستا زرمی (zarəmayā) خوانده می‌شود^(۲۱) و یا برای آنانی که میزان گناه و ثوابشان برابر است، جایگاهی میان بهشت و دوزخ، یعنی همستگان، قائل است^(۲۲) که در تناقض با روایت مینوی خرد است (فصل ۱۱ / ۱۴) که «جایگاه کسی را که گناه و ثوابش برابر است، دوزخ می‌داند». متن در دستنویس‌ها کامل است اما احتمالاً در ضمن انتقال، بعضی پرسش‌ها حذف شده است مثلاً فصلی که ظاهراً درباره «سگدید» (sag-dīd)، نشان دادن جسد به سگ پیش از متلاشی شدن، بوده و در پرسش‌های ۲۰/۱۶ و ۲/۱۷ به آن اشاره شده، در متن دیده نمی‌شود^(۲۳).

نیز ← وست، ۱۸۸۲: XXIV-XIII؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۵۰-۱۵۳؛ شکی، ۲۰۱۱: ۵۵۰-۵۵۴؛ میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۲۹۲-۲۹۵.

به‌طور کلی می‌توان پرسش‌ها (۴۱-۹۲) را در گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

- پدیده‌های طبیعی: رنگین کمان (۶۶)، صور ماه (۶۷)، خورشید و ماه‌گرفتگی (۶۸)، زمین لرزه (۶۹)، ساخت آسمان (۶۳)، رودها و آب‌ها (۹۱)، ستاره‌تیشتر (۹۲)؛
- تجارت و بازرگانی: احتکار غلات (۴۸)، فروش می به غیرزردشتی (۴۹)، چانه‌زنی و دبه در آوردن در معامله (۵۱)، تجارت با غیرزردشتی (۵۲)؛
- ارث و قوانین آن (۵۳ - ۶۱)؛

- نهادهای اجتماعی: ستوری، دوده‌سالاری و انواع آن (۵۵ - ۵۹)؛

- لواط و روسپی‌گری (۷۱ - ۷۷)؛

- مسائل زردشتیان در سده‌های آغازین دوره اسلامی (۴۳، ۵۲، ۶۲).

اما بیشتر پرسش‌ها درباره آیین‌های دینی (درون، یزش، همادین، سدوش، زنده‌روان، گیتی‌خرید)، اجرای مراسم‌دینی، دستمزد اجرای مراسم، هاوشتی، هیریدی و موبدی است. در آثار فارسی میانه به روند تغییر و تحولات جامعه روحانی در دوران ساسانی کمتر توجه شده است. گرچه این آثار اشاراتی به طبقه روحانی دارند، اما موضوع‌های مربوط به سازمان واقعی روحانیت زردشتی به‌روشنی در آنها مورد بحث و گفتگو قرار نگرفته است.

از این رو آگاهی‌هایی را که دادستان دینی در این زمینه به‌دست می‌دهد، از اهمیت بسیاری برخوردار است. دادستان به‌عنوان اثری از یک نویسنده در مقام موبدان موبدی و رئیس طبقه روحانیان زردشتی سده سوم هجری، اوضاع و احوال دورانی را برمی‌شمارد که شرایط اجتماعی و وضع وخیم اقتصادی جامعه زردشتی بر طبقه روحانی تأثیر گذاشته است. سرعت تغییرات با پرسش‌ها و پاسخ‌ها به‌خوبی روشن می‌شود. بیشتر پرسش‌ها بازتاب‌دهنده مسائل جامعه‌ای در سده‌های آغازین دوره اسلامی است که تلاش می‌کند خود را با شرایط زمان تطبیق دهد و پاسخ‌های محافظه‌کارانه منوچهر در پی برقراری نظم سنتی امور، تا حد امکان، است. بار اقتصادی تأمین هزینه قشر روحانی که در دوران ساسانی گسترش یافته بود، برای جامعه زردشتی زمان منوچهر بسیار سنگین بود. گرچه او به فایده‌های پرداخت دستمزد و هدایای سخاوتمندانه برای اجرای مراسم دینی تأکید می‌کند، اما برای آینده طبقه روحانی نگرانی‌هایی دارد. از خلال پرسش‌ها می‌توان به این نگرانی‌ها پی‌برد:

- افزایش هزینه تأمین معاش طبقه روحانی؛
- رقابت شدید میان گروه‌ها و طبقات مختلف روحانی برای گرفتن مأموریت و سفارش اجرای مراسم؛
- غفلت هاوشتان از کسب علم دین زیر نظر موبد آموزگار؛
- برگزاری ساده‌تر مراسم و در نتیجه پرداخت هزینه و دستمزد کمتر؛
- تمایل موبدان به قبول دستمزدهای کمتر از میزان مرسوم به‌سبب شرایط بد اقتصادی که در ادامه به فقر بیشتر آنها منجر می‌شود.

نیز ← کرین بروک، ۱۹۸۷ الف: ۱۸۵-۲۰۸؛ همو، ۱۹۸۷ ب: ۱۵۱-۱۶۶.

دستنویس‌ها

وست و پ. ک. انکلساریا (۱۹۲۸ - ۱۹۶۹) دستنویس‌های موجود دادستان را در دو گروه ایرانی و هندی دسته‌بندی کرده‌اند. دستنویس‌های K35، BK و TD در گروه ایرانی قرار دارند و از کیفیت بهتری برخوردارند.

دستنویس K35 دربردارنده متون گوناگون است که وسترگارد در سال ۱۸۴۳ آن را در کرمان به‌دست آورد و اکنون در کتابخانه دانشگاه کپنهاگ نگهداری می‌شود.

کریستین سن نسخه عکسی از این دستنویس منتشر کرده است. K35 شامل ۱۸۱ برگ است و دادستان دینی برگ‌های ۹۹-۱۵۷ آن را تشکیل می‌دهد. وست در زمانی که دستنویس در اختیار وسترگارد بوده، برای ترجمه از آن استفاده کرده است. ۷۱ برگ از آغاز و ۳۵ برگ از پایان دستنویس گم شده است. با وجود عبارتهای اغلب خراب و تحریف‌شده که ناشی از بدفهمی رونویسگر است، این دستنویس از اهمیت بسیاری برخوردار است.

دستنویس BK متعلق به کاپادیا از بلسارا بوده اما معلوم نیست که اکنون در کجاست. وست معتقد است که BK رونویسی از K35 است چون تعدادی از خوانش‌های غلط K35 را دارد. پ.ک. انکلساریا نیز با او هم‌نظر است. این دستنویس شامل پایان نوشت به تاریخ ۹۴۱ یزدگردی (= ۱۵۷۲ م) است و احتمالاً نزدیک به تاریخی است که K35 تکمیل شده است. اهمیت این دستنویس در آن است که ۷۱ برگ آغاز و ۱۱ برگ از ۳۵ برگ گم‌شده پایان K35 را دارد.

دستنویس TD (حرف T در ویراست پ.ک. انکلساریا) حدود سال‌های ۱۵۱۰-۱۵۳۰ در کرمان رونویس شده است و ت.د. انکلساریا (۱۸۴۲-۱۹۰۳) آن را در سال ۱۸۷۰ در یزد به دست آورده است. این دستنویس شامل برگ‌های ۷۱-۲۹۷ است و دادستان دینی در برگ‌های ۸۴-۱۹۷ قرار دارد. پ.ک. انکلساریا معتقد است که دو دستنویس K35 و TD رونویس‌های مستقلی از یک نیای واحد هستند.

دستنویس‌های گروه هندی کیفیت پایین‌تری دارند. تمام دستنویس‌ها ظاهراً از یک دستنویس ناقصی می‌آیند که ت.د. انکلساریا آن را از یک موبد پارسی به نام نامدار (Nāmdār) قرض گرفته (N در ویراست پ.ک. انکلساریا)، کامل کرده و به ایران بازگردانده است، اما جای فعلی آن مشخص نیست.

در میان دستنویس‌های این گروه، دستنویس J (متعلق به جاماسب آسانا) در سال‌های ۱۸۱۹-۱۸۴۱ رونویس شده؛ دستنویس D6 (کتابخانه مولا فیروز در نوساری)، اکنون در مؤسسه شرقی کاما در بمبئی؛ T60 (R در ویراست پ.ک. انکلساریا)، در کتابخانه مهرجی رانا در نوساری؛ H (از آن هوشنگ جاماسب جی) و M14 رونویسی از J در کتابخانه مونیخ قرار دارند.

نیز ← وست، ۱۸۸۲: XIX-XIV؛ شکی، ۲۰۱۱: ۵۵۰؛ میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۲۹۵.

مشکلات متن ویراسته پ.ک.انکلساریا

کوتاه‌نوشت دستنویس‌هایی که پ.ک.انکلساریا به‌کار برده و در زیرنویس آمده است روشمند نیست و چند بار این دسته‌بندی را تغییر داده است. او دستنویس‌های M , DF , $T60$ را یک‌بار به ترتیب D , M , R و بار دیگر این سه دستنویس را N نامیده و M , R را در دسته‌بندی دیگری به نام X قرار داده است و همچنین دستنویس‌های $K35$, TD را T و K نام‌گذاری کرده و سپس در دسته‌بندی‌ای به نام β قرار داده است. انکلساریا از روش معمول، آن‌گونه که ت.د.انکلساریا در بخش نخست (پرسش‌های ۱-۴۰) به‌کار برده، استفاده نکرده است که این امر مراجعه‌کننده به زیرنویس‌ها را سردرگم می‌کند.

مشکل دیگر آن است که زیرنویس‌ها در متن شماره ندارند و به جای شماره‌گذاری روی واژه مورد نظر، شماره سطری که واژه در آن آمده، داده شده است.

متن پهلوی ارائه‌شده در این پژوهش (← پیوست)، متن ویراسته پ.ک.انکلساریا است و از آنجا که تایپ مجدد آن مستلزم صرف وقت بسیار بود، تفاوت خوانش‌ها با متن انکلساریا در آوانویسی مشخص شده و همانجا در پانویس آمده است.

پیشینه پژوهش

وست تمام متن دادستان دینی (۹۲ پرسش) را به انگلیسی ترجمه کرده است (۱۸۸۲). ت.د.انکلساریا و شهریار جی پیروچا چند سال پیش از وست آن را به گجراتی ترجمه کردند ولی این ترجمه در سال ۱۹۲۶ منتشر شد. ترجمه وست قدیمی است و اکنون اعتباری ندارد اما درباره‌ی پاره‌ای مطالب آگاهی‌های سودمندی در زیرنویس‌ها به‌دست می‌دهد که مورد اشاره و استفاده‌ی دانشمندان بعد از او نیز قرار گرفته است.

پ.ک.انکلساریا ویراستی از بخش دوم دادستان (پرسش‌های ۴۱-۹۲) را به‌عنوان پایان‌نامه دکتري در دانشگاه لندن آماده کرد (۱۹۵۸) که منتشر نشده است.

آوانویسی و ترجمه‌ی بعضی پرسش‌ها و عبارت‌ها در کتاب‌ها و مقالات، نیز در قالب پایان‌نامه، انجام شده است. برای تمام موارد ← کتابنامه

تاکنون آوانویسی و ترجمه‌ای به فارسی از تمام بخش دوم دادستان انجام نشده است.

روش کار

این پژوهش شامل مقدمه و یادداشت‌های آن، آوانویسی متن پهلوی براساس ویراست پ.ک. انکلساریا همراه با تصحیح‌های اعمال‌شده از سوی نگارنده (با نشان * و شماره در پانویست آوانویسی)، برگردان فارسی و یادداشت‌های آن است. متن پهلوی به صورت پیوست در انتهای کتاب آورده شده است.

کوشش نگارنده بر آن بوده است که در حد توان ترجمه‌ای روان و قابل اطمینان از این متن دشوار به دست دهد، اما به گفته منوچهر، درک و فهم آنچه او در پاسخ به پرسش‌ها نگاشته، ممکن است حتی برای باریک‌بینان و نکته‌سنجان آسان نباشد.

گذشت بیش از چند سده از زمان منوچهر، از رواج افتادن بسیاری از آداب و سنن زمان او، شیوه خاص و دو پهلوی پاسخگویی به پرسش‌ها، استفاده از واژه‌های فنی متروک زبان، همه درک و فهم این متن را سخت‌تر ساخته است. اما به هرصورت سعی بر آن بوده که گامی هر چند کوتاه در راه شناخت پیشینه فرهنگ و زبان فارسی برداشته شود.

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر قبادی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که چاپ و انتشار کتاب نتیجه دستور مساعد ایشان است.

حروف‌چینی متن کتاب و یادداشت‌های آن کاری از آقای محمد امامی ملک‌شاه، دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی و خانم دکتر فاطمه موسوی، نمونه‌خوانی و تنظیم نمایه‌ها نتیجه کوشش‌های خانم دکتر نادیا حاجی‌پور و آماده‌سازی آن برای چاپ حاصل زحمات جناب آقای زعفرانچی، مدیر محترم انتشارات پژوهشگاه، و همکاران ایشان است. از همه آنان سپاسگزار است.

یادداشت‌ها

۱. مقدمه، بند ۳:

pāsox ēd kū cē-tān purr-dōšāramihā ud wuzurg-
abardōmihā andar ēd **pursišnīg-nāmag** ō man āfrīnēnīd...

پاسخ اینکه: از آنجاکه در این پرسش‌نامه، با دوستی فراوان و برتری بسیار
مرا تحسین کردید ...

۲. در ترجمهٔ وست تعداد پرسش‌ها، با احتساب مقدمه و بخشی نامربوط با پرسش‌ها
(اندرزهایی منقول از آغاز کتاب ششم دینکرد، بندهای ۱-۱۱ و اندرزهای دیگر خطاب به
به‌دینان)، ۹۴ ذکر شده است.

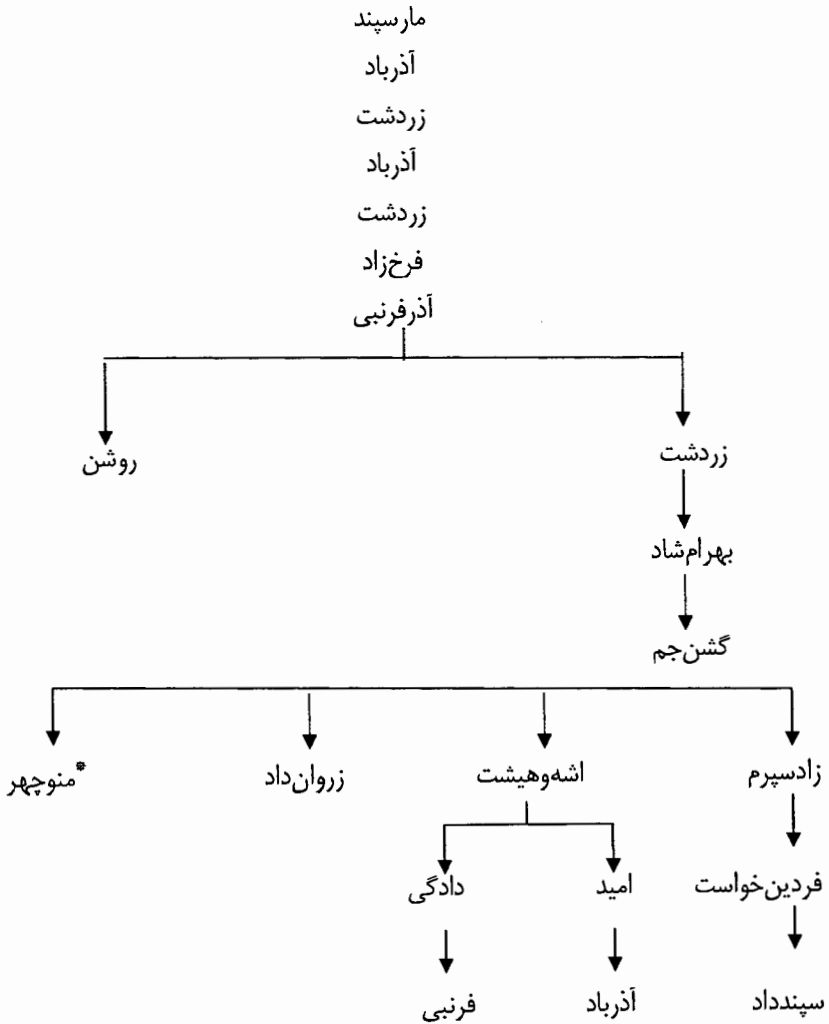
۳. مقدمه، بند ۱۸:

cand-om az dēn-āgāhīh u-m ōš-ayārīh az pēšēnīgān
dastwarīh pad xrad sahišn ast pāsox azēr ī pursišn nibišt
kāēm

چندان که مرا دین‌آگاهی و هوشیاری (= یادآوری) از دستوری پیشینان
است، که پسند خرد است (= منطقی به نظر می‌آید)، پاسخ را زیر پرسش
خواهم نوشت.

۴. به سبب شباهت ظاهری دو واژه گشن و جوان در خط پهلوی، این نام را جوان جم نیز خوانده‌اند (بویس، ۱۹۶۸: ۴۱).

۵. کانگا (۱۹۵۱: ۱۹۷-۱۹۸) درخت خانوادگی منوچهر را به شکل زیر رسم کرده است:



نام گشن‌جم در آثار دیگری مانند *مادیان هزار دادستان* (۸۹/۱، ۱۰/۲) آمده است و این نشان از مقام دینی مهم او دارد.
ع. نامه ۲، فصل ۹ بند ۱۲:

pārs ud kirmān āsrōnān pēšag framādār

فرمادار پیشه آسرونان پارس و کرمان

دادستان، ۱۳:

pārs ud kirmān rad ud āsrōnān pēšag framādār

رد پارس و کرمان و فرمادار پیشه آسرونان پارس و کرمان

۷. زادسپرم خلاف منوچهر، به مسائلی خارج از محدوده مراسم دینی و آیین‌های مذهبی علاقه داشته است. او در مراسم تطهیر موسوم به برشنوم (baršnum) نوآوری‌هایی در جهت ساده‌سازی آن کرده که سبب رنجش و خشم زردشتیان سیرجان شده، به‌طوری‌که به منوچهر شکایت برده‌اند. از منوچهر سه نامه در این باره در دست است که در آنها با لحنی تند و دیدی سنتی درباره مسائل مربوط به تطهیر شرعی سخن گفته است.
۸. نامه ۲، فصل ۶ بند ۱:

pas-iz ān ī ka-m ašmā freh az rāh ī brādarīh ud abartar-iz

az pid ud rad ud sālār xwadāy ud dastwar dāšt hēd

آنگاه نیز من شما را از راه برادری، حتی از پدر، رد، سالارخدای و دستور برتر می‌پندارم.

۹. مقدمه، بند ۱۱:

... ud nē-z rāmišnīg bawēm ka-m meh az xwēš sālār

nāmēnēnd cē-m stāyišn ān kāmāg ī pad xwēš pāyag ud

tāyag wimand

... و شادمان نیستم زمانی که آنان (= مردم) مرا بزرگ‌تر از سالار خود می‌نامند، چه مایلم در پایه و حد قابلیت خود ستایش شوم.

۱۰. مقدمه، بند ۳:

... ō-z ašmā hamist ham-paywandān jud jud pad xwēš
niyābag uspurra rasād ud dāgr pattāyād ō nēk-frazāmih
paywandihād

... پس باشد که این (تحسین) به همه شما و پیوندان شما، متناسب با تک
تک شما، کامل برسد و دیر بیاید، به فرجام نیک بیبندد.

۱۱. مقدمه، بند ۲۳:

... rōšntar nimāyišn ī abar dēnīg warzišn az dō bun abērtar
az-iš paydāgihēd ēk az mādayān nimūdārīh ī *āsn-xrad
dēn pēšōbāy ud ēk mādayāntar az *nihādag ī hufraward
pēšēnīgān ī pēšōbāyān ī meh pōryōtkēšān

... نمایش روشن تر در مورد عمل دینی، از دو سرچشمه بهتر آشکار می شود:
یکی نمودن تفسیر اصول به وسیله آسن خرد (= خرد ذاتی) پیشوایان (حال
حاضر) دین و مهم تر، از نهادهای (مواریث) پیشوایان نیک فروهر پیشین،
پوریوتکیشان بزرگ.

۱۲. مقدمه، بند ۲۲:

agar ēdōn cim rāy bowandag ayāb wizīr rāy rōšn nē
wēnihēd nē pargast az a-bowandagih ī dēn wizīr pad
rōšnīhā-nimūdārīh ud drust-cimīh bē az a-bowandag-
nimūdārīh ī amā ō šnāsišn ī ān ī dēn nigēz

چنانچه استدلال کامل و یا حکم روشن دیده نمی شود، خدای ناکرده، از
نقص دین نیست — حکم بر روشن نشان دادن و منطق درست است —
بلکه از ناقص نشان دادن آموزه دین از سوی ما است.

۱۳. مقدمه، ۲۰:

... ka-z āgenēn jud-dādestānīh būd ān ī man wizir ī abar
ham-dar ēdōn cēōn-imān dastwarān ī zamānag ud dūdag
pad mādagwar dāšt nibišt

حتی زمانی که میان ایشان اختلاف رأی بود، حکم من در این باب همانی
است که دستوران زمانه و دودۀ ما موثق‌تر می‌شمردند.

۱۴. مقدمه، ۲۱:

pas-iz abar gōwišn ī ān dastwar kē any ēwēnag ast jud-
dādestānīh nēst ud agar ast ī-m sahišn ō šnāsišn ī drust rāy
ayāft moyṃard ī dēn-āgāh ... pas spās dārēm

... آنگاه نیز در مورد سخن آن دستوری که گونه دیگری است (مربوط به زمان
و خاندان ما نیست)، مخالفتی نیست، و اگر چیزی است که مورد پسند و قبول
من است، برای کسب شناخت درست، از مغمرد دین‌آگاه ... سپاسگزارم.

۱۵. ← نامه ۲/۱: ۱۲.

۱۶. ← کانگا، ۱۹۵۱: ۱۹۴.

u-m ēn nāmag āgāh-bawišnīh ī kadāmīgān hu-dēnān ī
ērān-šahr ... man mānušcihr gušn jam pad xwēš nibēg
nibišt cand paccēnīhā amwašt māh hordād ī pērōzgar ī sāl
250 yazdgird

من، منوچهر، پسر گشن جم، این نامه را به خط خویش، برای آگاهی کامل
هریک از بهدینان ایرانشهر نوشتم و در چند نسخه مهر کردم، در ماه خرداد
پیروزگر سال ۲۵۰ یزدگردی.

۱۷. از تأثیرهای فارسی نو می‌توان به کاربرد زیاد حرف اضافه «را»، به‌ویژه در مقدمه
اشاره کرد:

ud stāyišn ī-tān man rāy wēš az sāmān ...

و ستایش بیش از حد شما من را ...

۱۵.

man rāy pad kišwar dastwarīh ...

دستوری من را در کشور ...

۱۱.

man xwēštan rāy nē ... dārēm

من خویشتن را ... تصور نمی‌کنم

۱۸. ← مقدمه، ۲۴.

۱۹. مقدمه، ۲۵:

āōn abar cim ī ī-m pursišnīhā agar ast ī-tān rōšntar paydāg

ud cimīgtar abāyēd nazdīktar rāh ō rāst nigēzišn ī rōšn nē

jud ō wizīr ī frazānag pēšōbāy ī dēn

در مورد استدلال این پرسش‌ها، اگر مایلید که روشن‌تر و مستدل‌تر بیان

شوند، نزدیک‌تر راه برای رسیدن به شرح و تفسیر درست و روشن، رجوع

به حکم و فتوای پیشوای فرزانه دین است.

و می‌افزاید:

man cand-om dānišn ud ādūgīh hamē ka pursēd u-m

tuwān pāsoxēnēm

هرگاه بپرسید و من بتوانم، در حد دانش و توان خود پاسخ خواهم داد.

۲۰. کاربرد نادرست حرف اضافه rāy، همراه با فعل مجهول (← مقدمه، ۲۲):

agar ēdōn cim [rāy] bowandag ayāb wizīr [rāy] rōšn nē

wēnīhēd

اگر چنین استدلالی کامل یا حکمی روشن دیده‌ نمی‌شود

۲۱. دادستان دینی، فصل ۱۴/۳۰:

... dudīgar māh az sāl ka mihr pad gāw axtar bawēd
 kunēnd cēōn ān māh dēnīg zarmay xwānīhēd
 ماه دوم از سال، زمانی که خورشید در برج گاو باشد، <خورش> سازند،
 چون آن ماه در دین (= اوستا) زرمی خوانده می‌شود.

۲۲. دادستان دینی، فصل ۴-۳/۱۹:

ān ī sidīgar šab andar bāmī<g>ō alburz gyāg ī āmār
 šawēnd kard āmār ō puhl andar rawēnd ud ān ī ahlawān
 pad puhl widerēd pad ulīh agar hammistagānīg tā ō ānōh
 kū-š gāh ud agar abāg wēš-kirbagīh frārōn dād tā-z ō
 wahišt agar abāg wēš-kirbagīh frārōn-dādīh srōd-gāhān tā-
 z ō garōdmān šawēd

شب سوم در بامداد به البرز، جای آمار روند، آمار کرده شده به پل اندر روند
 و روان پرهیزکاران، با بلندی، از پل بگذرد؛ اگر همستگانی <باشد> تا آنجا
 که جایش است و اگر با ثواب بیشتر، داد نیک، تا به بهشت؛ اگر با ثواب
 بیشتر، داد نیک <و> گاهان سروده <باشد> تا به گرودمان برود.

۲۳. دادستان دینی، فصل ۲۰/۱۶:

... cēōn nimūd andar ān dar ī abar cim ī sag ō murdag
 nimūdan

... آن گونه که در فصل «درباره سبب نمودن (= نشان دادن) سگ به مرده»
 نشان داده شد.

همانجا، فصل ۲/۱۷:

... pas az sag nimūdan cēōn-iš cim pad dar ī xwēš paydāg

... پس از سگ نمودن، آن گونه که سبب آن در فصل خود (= مربوط به
 آن) پیدا است.

